

# بررسی نقش برنامه‌های توسعه محور فمینیستی بر تزلزل نهاد خانواده

حکیمه قاسم پورقاضی محله \*

زهره مشایخی \*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲

## چکیده

نظام حاکم جهانی تفکرات اومانیسم، لیبرالیسم و سکولاریسم را با عناوین کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی و دیگر برنامه‌های جهانی سازی فراروی کشورهای دیگر، به ویژه ممالک اسلامی قرار داده است. اسنادی مانند «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» و «سند پکن» از جمله این اسناد است که به ظاهر به عنوان نقطه عطفی در روند احقاق حقوق زنان در سطح جهانی مطرح شد. مقاله، به روش توصیفی تحلیلی، درصدد است که همسویی این برنامه‌ها با دیدگاه‌های فمینیستی، چه تأثیری بر نهاد خانواده دلشته است؟ موضع دولت اسلامی در مواجهه با اسناد بین‌المللی، که آشکارا مخالف قرآن و سنت است، چیست؟ یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که هدف این اسناد گرچه در ظاهر حمایت همه جانبه از حقوق زنان است، اما در مسیر فردگرایی و آزادی افراطی، خانواده را دچار چالش جدی کرده و در حقیقت در جهت تأمین منافع نظام سرمایه داری و توسعه پایدار تدوین شده است. **کلیدواژه‌ها:** خانواده، فمینیسم، عدالت جنسی، برنامه‌های توسعه محور، زنان.

---

\* دانش آموخته مدرسه علمیه قاسم بن الحسن عليه السلام البرز / hghasempoor62@gmail.com

\*\* دانش پژوه مدرسه تخصصی قاسم بن الحسن عليه السلام البرز mailto:zoheira@yahoo.com



## مقدمه

عصر حاضر عرصه چالش فرهنگ اصیل مبتنی بر خاستگاه‌های اعتقادی و باورهای ریشه‌دار، با فرهنگ جدید ناشی از دگرگونی دانش و تجددگرایی است. تا پیش از مدرنیته، نظم موجود خانواده و اجتماع، امری طبیعی و صحیح به شمار می‌آمد؛ اما تغییرات در سطح جهانی موجب تغییر در روابط خانوادگی شده است. امروزه حقوق زنان از مهم‌ترین بحث‌ها در عرصه بین‌الملل است و پاسخ مجامع جهانی به آن، انواع معاهده‌ها و مقاوله‌نامه‌هاست که مهم‌ترین آنها «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» است. همچنین تعدادی از برنامه‌های توسعه محور که دیدگاه اومانیستی و لیبرالیستی روح حاکم بر این معاهدات بوده و در مسیر فردیت و توجه افراطی به حقوق زنان، خانواده را در مسیر فروپاشی قرار می‌دهد.

باتوجه به اینکه جوامع اسلامی، تحقق اهداف دینی را سرلوحه امور خود قرار داده، ضروری است پیش از الحاق به این معاهدات، مفاد آنها مورد بررسی قرار گیرد تا با احکام و شریعت و قوانین داخلی در تعارض نباشند. از سوی دیگر، همسویی برخی از این برنامه‌های توسعه محور با دیدگاه فمینیستی، بر اعضا و در نهایت بر نهاد خانواده تأثیرگذار است. همچنان که سایر برنامه‌های غربی طی اعصار گذشته بر انحراف جامعه اسلامی اثرگذار بوده و رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، بارها بر تجربه پیشینیان در نگاه برونی و غرب‌گرا نسبت به سیاست‌های کشور و آسیب‌های آن بر جامعه، به خصوص نهاد خانواده تأکید داشته‌اند. این موضوع از منظر سیاسی، اجتماعی، فقهی، حقوقی، اقتصادی، قابل بررسی است.



کتاب و مقالات متعددی این معاهدات را مورد بررسی قرار داده‌اند که از جمله آنها علاسوند (۱۳۸۲) در کتاب زنان و حقوق برابر به بحث از کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و سند پکن و بررسی تعارض آنها با تعالیم دینی پرداخته است. هاجری (۱۳۸۲) در کتاب بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان، ضمن تحلیل مستدل ساختار و محتوای کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و نقد آن، کوشیده تا پیامدهای الحاق به این معاهدات را بیان کند و راهکارهای مناسب را ارائه دهد. همچنین مقالاتی مانند *آخوند/ن* (۱۳۹۵) حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌المللی در این زمینه، به تبیین اسناد عام و خاص بین‌المللی و نقد وارد بر معاهدات پرداخته است. مقاله *طاهری و مکرمی* (۱۳۹۳) بررسی تعارض‌های کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با دیگر اسناد و معاهدات بین‌المللی، که تعارض کنوانسیون رفع تبعیض را با کنوانسیون حقوق کودک، سند پکن، اعلامیه حقوق بشر و... مورد بررسی قرار داده است. مقاله موسوی (۱۳۹۵)، در مقاله سازمان ملل و اسناد بین‌المللی حقوق زنان بررسی عملکرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان، عملکرد سازمان ملل متحد را در قلمرو حقوق زنان مورد بررسی قرار داده است.

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و با دیدگاه سیاسی - اجتماعی و رویکرد دینی نگاشته شده، علاوه بر بیان چند ماده از کنوانسیون مذکور و سند پکن و تعارض مسلم آنها با مفاهیم و حیانی، به سند ۲۰۳۰ و سند توسعه ششم نیز پرداخته شده است و به پاسخ این پرسش است که نقش برنامه‌های توسعه محور فمینیستی بر تزلزل نهاد خانواده چیست؟ با توجه به جستجوهای صورت گرفته، مقاله‌ای در رابطه با این سند ارائه نشده است. در این مجال تلاش برای این بوده،



علاوه بر بررسی اشکالات وارد بر اسناد، راهکارهای احتمالی در مواجهه با چنین اموری ارائه شود

### ۱. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

پیشینه اسناد مدافع حقوق زنان به اعلامیه حقوق بشر بازمی‌گردد. این اعلامیه در سال ۱۹۴۸م (۱۹ آذر ۱۳۲۸.ش) از سوی سازمان ملل متحد منتشر شد که در آن به تساوی حقوق زن و مرد تصریح شده بود. طبق ماده یک این اعلامیه، تمام ابنای بشر آزاد زاده شده‌اند و در حرمت و حقوق باهم برابرند. به دلیل عدم صراحت در باب حقوق زنان، برخی تشکلهای زنانه و جریانهای فمینیست سازمان ملل را متقاعد کردند که با صراحت بیشتری به مسائل زنان توجه نماید. فمینیست‌ها با حرکتی سازمان‌یافته، بافکر تعامل بین‌المللی برای زنان و با استفاده از اهرم سازمان ملل متحد، خواستار فعالیتی همه‌گیر در زمینه حقوق زنان شدند. تلاش‌های آنان در سال ۱۹۷۹م باعث تصویب مقاله‌نامه «رفع تبعیض علیه زنان» شد که بعدها به صورت کنوانسیون در ردیف اسناد بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفت و در سال ۱۹۸۱م لازم‌الاجرا گردید.

### بررسی محتوای کنوانسیون

هسته این کنوانسیون که در ۳۰ ماده تدوین شده است، محکوم کردن تبعیض به عنوان ریشه اصلی نابرابری جنسیتی است و حقوق برابر، معیار برابر و رفتار برابر را برای زنان در جوامع طلب می‌کند. ظاهراً اصرار کنوانسیون بر



ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه شئون از یک خطای مبنایی نشئت می‌گیرد و آن خطا، خلط تساوی باعدالت و نابرابری با تبعیض است (هاجری، و دیگران ۱۳۸۲، ص ۳۰). این کنوانسیون مهم‌ترین سندی است که اساس تفکر سازمان ملل متحد را در جهت دفاع از حقوق زنان، تشکیل می‌دهد و همانند سایر معاهدات براساس تفکرات فمینیستی و غربی شکل گرفته است.

براساس ماده اول کنوانسیون، عبارت تبعیض علیه زنان در این کنوانسیون به هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت براساس جنسیت... و یا هرزمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و براساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می‌گردد (متن کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، بخش اول، ماده ۱). بنابراین، رابطه‌ای میان جنسیت با اموری مانند حقوق، آموزش و اخلاق وجود ندارد. این ماده بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد بیان شده است. اسلام زن و مرد را در انسانیت برابر می‌داند؛ اما نمی‌توان تفاوت‌های اساسی و طبیعی دوانسانی که ناهمسان آفریده شده‌اند را نادیده گرفت.

کنوانسیون رفع تبعیض بر هرگونه نقش سنتی و تقسیم مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس معیارهای سنتی خط بطلان می‌کشد. در مقدمه آن آمده «تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است.» (مقدمه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان) با تغییر در نقش‌ها، خانواده کارکرد اصلی خود را از دست داده و مفهوم آن تغییر می‌یابد.

اومانيسم مهم‌ترین عنصر فرهنگ غرب از مبانی حاکم بر این کنوانسیون است که خود آثار مخرب زیادی را به دنبال دارد؛ زیرا باتکیه بر فردگرایی و بدون قید و



محدودیتی زن و مرد در لذت جویی از یکدیگر سبقت می گیرند تا آنجا که وظایف و تکالیف هریک نسبت به دیگری نادیده گرفته می شود و به تبع آن، پایه های نظم خانواده متزلزل و مادر بودن امری منفور خواهد بود. هوس های زودگذر به جای صمیمیت و علاقه می نشینند و طلاق افزایش می یابد.

شانزده ماده کنوانسیون که به بحث حقوق زنان پرداخته، ۲۵۰ بار بر حقوق زنان در اشتغال و بهره وری که همان رسیدن به رفاه اقتصادی است تأکید کرده، در حالی که حتی در یک ماده نیز به حقوق معنوی و اخلاقی زنان جامعه اشاره نکرده است (آخوندان، ۱۳۹۵، ص ۱۴). گرچه با یک نگاه کلی معاهده به پیگیری مطالبات و دفاع از حقوق زنان در چارچوب الگوی برابری پرداخته است و در موارد جزئی مخالف شرع نیست، اما کلیات آن با اهداف و برنامه های شرع سازگاری ندارد؛ زیرا روح کلی آن رفع هرگونه تمایز است. در حالی که اسلام تفاوت ها را مورد پذیرش قرار داده است. شهید مطهری در این زمینه معتقد است: «عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن بیشتر موجب پایمال شدن حقوق او می گردد... در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری هریک از زن و مرد با توجه به تساوی آنها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان ها، زن را در وضعیت بسیار مناسبی قرار می دهد که نه شخصش کوبیده شود و نه شخصیتش» (مطهری، ۱۳۸۲، صص ۱۹-۲۰). نادیده گرفتن ویژگی ها و توانمندی زنان در شکل و محتوای آموزشی، رشته های تحصیلی و فرصت های شغلی، آثار شومی از جمله: تزلزل بنیان خانواده، بالارفتن سن ازدواج، روابط نامشروع و بحران هویت فردی خواهد شد.



### روند الحاق و اجرای کنوانسیون رفع تبعیض در ایران

الحاق به این معاهده در دولت اصلاحات و مجلس ششم به تصویب رسید؛ اما از سوی شورای نگهبان رد شد. با وجود عدم اعلام رسمی الحاق از سوی ایران، پس از پیگیری، مفاد این عهدنامه در دستور کار قرار گرفت و برخی نهادها خود را موظف به آموزش و اجرای آن می‌دانستند. موارد زیر از جمله فعالیت‌های انجام شده در این زمینه است:

- اجرای پروژه جنسیت از سوی مرکز امور مشارکت وزارت کار و امور اجتماعی (با شعار جنسیت کلیشه‌ای است).
- تجدیدنظر در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی به منظور انطباق آن با نگرشی مبتنی بر تشابه نقش‌ها.
- گنجانده شدن عبارت (عدالت جنسیتی) در پیش‌نویس برنامه چهارم و ششم، توسعه کشور.
- مطابقت قوانین داخلی با مقررات کنوانسیون (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵ش، ص ۷).

### ۲. سند پکن

"برابری" در نسبت و روابط زن و مرد که محوری‌ترین بحث در میان گروه‌های فمینیستی است در اغلب اسناد بین‌المللی وجود دارد. یکی دیگر از اسناد، سند پکن است که محصول اجلاس پکن در سال ۱۹۹۴م و دارای یک مقدمه و ۶ فصل



و ۳۶۲ ماده است. در فصل سوم، موضوعات و مسائل مهم مرتبط با مشکلات زنان مطرح می‌شود از آن جمله: زنان و حقوق بشر، زنان و بهداشت، زنان و مناقشات مسلحانه و... فصل چهارم که پیکره اصلی سند است، در ضمن ۲۴۰ بند، اهداف و اقدامات استراتژیک را در ۱۲ شاخص مانند نمونه‌های ذکر شده طراحی می‌نماید.

### بررسی محتوای سند پکن

این سند و اسناد مانند آن شامل تئوری‌هایی در تعریف انسان و نیازهای او، تبیین مسائل و مشکلات زنان و ارائه اقدامات و راه‌حل‌های بهبود وضعیت، از نظر طراحان اسناد است. مهم‌ترین تئوری آنها تأکید بر برابری زن و مرد است که نقطه ثقل این اسناد به شمار می‌رود. وابستگی جدی این اسناد به نگرش‌های فمینیستی باعث شده تمام مشکلات زنان به تسلط مردان بر زنان بازگردد. بدیهی است که زنان در تمام دنیا، در برخی مسائل خود با چالش‌ها و مشکلاتی روبرو هستند، اما منشأ مشکلات آنها لزوماً امور واحدی نیستند. بسیاری از مشکلات زنان، ریشه در فرهنگ بومی و ساختارهای اجتماعی هر جامعه دارد، در حالی که جوامع مختلف به تبع فرهنگ متفاوت، برای برون رفتن از مشکلاتشان راهکارهای مختص به خود را نیز دارند. اما در اسناد بین‌المللی، مشکلات زنان از انواع واحد در نظر گرفته شده و راه‌حل‌های یکسانی نیز برای آنها ارائه شده است. برای نمونه، در سند پکن هیچ‌گاه به قضیه ازدواج به عنوان یکی از مشکلات زنان اشاره نشده است؛ چون تمام دنیای غرب انواع مختلف ارتباط‌های زناشویی را پذیرفته و استقلال فرزندان



پس از هجده سالگی را کاملاً قبول کرده است. در مقابل، مشکل اساسی و مهم در این سند برای زنان جوان، بیماری‌های عفونی مقاربتی و روابط زناشویی غیرایمن ذکر شده که راهکارهای خاص خود را نیز برای این بحران ارائه می‌دهد. روشن است که یک جامعه دینی و بلکه اخلاقی، پیش از آنکه به ایمن‌سازی روابط زناشویی فکر کند، علاقه‌مند است برای تحکیم نهاد ازدواج و بنیان خانواده و گسترش فرهنگ عفاف، برنامه‌ریزی نماید. پس هم در فهرست مسائل و هم در راه‌های برون‌رفت از مشکلات نمی‌توان با این اسناد همراه شد (علاسوند، ۱۳۸۳-۱۳۸۴ ش، ص ۱۵).

#### تحفظ، سرپوشی برای پذیرش عضویت

شاید بتوان گفت با ائتلاف دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، در یک فرایند مداوم، امکان تغییرات جزئی در اسناد مذکور باشد؛ اما با قوانین حاکم بر این اسناد تأثیر طولانی مدت ندارد. همچنین در برخی موارد که توانایی ایجاد تغییر نداشته باشند مجبور می‌شوند به جهت رفع تعارض با قوانین داخلی حق تحفظ بدهند که خود تحفظات در معرض اعتراض جامعه جهانی هستند. چنان که بنا بر ماده ۲۸ کنوانسیون بند ۲: «تحفظاتی که باهدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد پذیرفته نیست» (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ماده ۲۸). به عنوان نمونه، ماده ۲، ۳ و ۱۶ که از برابری حقوق زن و مرد در امور حقوقی، سیاسی - اجتماعی و روابط خانوادگی سخن گفت‌هاست، جزء مواردی هستند که اعمال شرط در مورد آن ممنوع بوده و دول عضو موظف‌اند کلیه اقدامات مقتضی را به عمل آورند. آنچه در ادامه دارای اهمیت بوده و سؤال برانگیز این‌که، با وجود تعارض آشکار



این اسناد با تعالیم و حیانی بازهم اسنادی که دارای مضامین و مفاد مشابه هستند، جهت تصویب در دستور کار مجلس شورای اسلامی در دولت‌های دهم و یازدهم قرار می‌گیرند.

### ۳. سند آموزشی ۲۰۳۰

اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و مقرر است تا سال ۲۰۳۰ مورد توجه کشورهای عضو سازمان ملل قرار گیرد. این سند دارای ۱۷ هدف اصلی است که عبارت است از پایان دادن به فقر، پایان دادن به گرسنگی، زندگی سالم و ارتقای رفاه، آموزشی باکیفیت، برابری جنسیتی... در نهایت، احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار، سند ۲۰۳۰ برای تحقق هدف چهارم (آموزش باکیفیت) از اهداف توسعه پایدار نوشته شده است. اردیبهشت سال ۱۳۹۴. ش سند آموزشی ۲۰۳۰ مشهور به اینچئون توسط وزرای بیش از صد کشور عضو یونسکو از جمله ایران به تصویب رسید.

### محتوای سند ۲۰۳۰

این سند که در تعارض جدی با هویت اسلامی - ایرانی است، بردگرگون ساختن زندگی افراد به وسیله آموزش تأکید می‌کند و در صدد است شکل جدیدی از سلطه بر کشورهای در حال توسعه را رقم بزند. این سند تصریح می‌کند که بردیدگاهی اومانیستی از آموزش و توسعه پایدار و بر اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتنی است (جمععی از نویسندگان، ۱۳۹۶ ش،

ص ۵).

سند ۲۰۳۰ در سال ۱۳۹۶ ه.ش مورد توجه افکار عمومی و جامعه کارشناسی و سیاست گذاری در کشور واقع شد و موافقت و مخالفت هایی نسبت به آن شکل گرفت. نکته قابل ذکر اینکه، تعارضات فراوانی در این سند وجود دارد که در اینجا به موارد مربوط به بحث زنان و خانواده اکتفا خواهد شد.

۱۹۹



#### اشکالات حقوقی سند ۲۰۳۰

دو دسته اشکال حقوقی به این سند وارد است. نوع اول از اشکالات حقوقی، تعارضات فراوان این سند با اصول قانون اساسی است. اولین اصلی که سند ۲۰۳۰ در قانون اساسی نادیده گرفته، اصل دهم قانون اساسی است. اصل دهم به صراحت می گوید: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۰). این قید «همه»، کلیتی است که علاوه بر آن که شامل برنامه های اقتصادی می شود، برنامه های آموزشی، امنیتی، ورزشی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

خانواده سلول بنیادین هر جامعه است و حمایت همه جانبه را می طلبد. اما در سند ۲۰۳۰ با بحث هایی که مربوط به عدالت جنسیتی و آزادی جنسی - البته باید بین این دو کلمه در اسناد بین المللی فرق گذاشت؛ یک بحث برابری جنسیتی است و یک بحث هم در مورد آزادی جنسی - و آموزش هایی که ارائه می دهد خانواده را تضعیف می کند (کشوری، ۱۳۹۱، ص ۸).



نوع دوم اشکالات حقوقی سند، تعارض این سند با اسناد بالادستی است. مهم‌ترین آنها، سند بنیادین آموزش و پرورش است. در شرایطی که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با بهره‌گیری از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی نگاشته شده و آیین‌نامه‌های اجرایی آن باید نوشته و تصویب شود، چه لزومی دارد دولت ایران منطبق با اهداف اصلی و فرعی بیانیه اینچئون به تهیه سند ملی آموزش اقدام کند. اسناد مذکور به آموزش جامع جنسی تأکید دارند، بدون اینکه قیدی را برای آن قائل شده باشند.

### اشکال مفهومی و عبارت عدالت جنسی

نکته دیگر مفاهیم و تعاریف موجود در سند است که با تعاریف و مفاهیم دینی در تعارض است. در سند ۲۰۳۰ و بقیه اسناد توسعه، با کلمه‌ای به نام (خانواده) روبرو هستیم. در این اسناد مراد از خانواده، معنای مرسوم آن نیست؛ بلکه آنها خانواده را به (زن، مرد، فرزند)، (مرد، مرد، فرزند) و همچنین (زن، زن، فرزند)، تعریف کرده‌اند. (همان، ص ۱۳).

از آنجاکه نظام سرمایه‌داری معتقد است برای ایجاد توسعه حتی ارزش‌های فردی نیز باید دستخوش تغییر قرار گیرد، برای توسعه پایدار، خانواده را حذف می‌کند؛ زیرا ساختار سنتی خانواده مانع از توسعه سرمایه‌داری است، در نتیجه به سمت تغییر مفهوم خانواده حرکت می‌کند که در این صورت خانواده بنیانی پایدار در جامعه نخواهد داشت. البته از مفهوم خانواده عبور نمی‌کند، بلکه تعریف جدیدی برای آن ارائه کرده، یعنی از نظر اسناد بین‌المللی اگر همجنس‌بازان، فرزندی را نپذیر کنند، خانواده محسوب می‌شوند. از سوی



دیگر در این اسناد اولین قشر آسیب پذیر بعد از آنهایی که آب و غذا ندارند، همجنس‌بازان هستند که با مفهوم آسیب پذیر در فرهنگ اسلامی در تعارض است.

علاوه بر مواد ذکر شده، عبارت «عدالت جنسیتی» با هدف ارتقای بهره‌وری در حوزه اقتصاد نیز در این سند مطرح گردیده است. به طور کلی می‌توان گفت: آموزه «برابری جنسیتی» به گونه‌ای که سند ۲۰۳۰ و راهبردهای اساسی آن بیان کرده‌اند، انحلال خانواده، افزایش طلاق و ظهور اشکال جدیدی از همزیستی را در پی خواهد داشت. اعتقاد به تشابه زن و مرد در زندگی اجتماعی، پیش از هراثر دیگر، در مناسبات خانوادگی و اخلاقی نمود می‌یابد و بیانگر این مطلب است که تفکرات خانواده محور، هیچ نقشی در نظام ارزش‌گذاری و تعیین الگوهای مشارکت زن و مرد ندارد که با مصالح خانواده و نظم حاکم بر آن سازگار باشد. بلکه بدون سنجش لیاقت‌ها و تفاوت‌ها، حقوق و وظایف به طور برابر توزیع می‌شود.

### اختلال در روابط سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی

پس از اجرای کامل ۲۰۳۰ هرچند ما مسلمانان باقی بمانیم و قرآن و نماز و شاید آموزه‌های دینی در مدارس آموخته شوند، اما این را نیز می‌آموزیم که مسلمان بودن هیچ مزیتی را برای ما در مقابل غیرمسلمانان ایجاد نمی‌کند و در جامعه جهانی و در تعامل با غیرمسلمانان، این نهادهای بین‌المللی هستند که برنامه زیستی ما را تعیین خواهند کرد. بنابراین آیه: «شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید» (آل عمران، ۱۱۰). مفهوم خارجی



نخواهد داشت؛ چراکه طبق مفهوم این آیه، ما مسلمانان برای همه امور خود برنامه‌ها و قوانین مناسبی داریم که اگر همان برنامه‌ها اجرایی شوند به برنامه‌های تدوین و دیکته‌شده غربی نیازی نیست.

هرچند سند ۲۰۳۰ به دولت‌ها اجازه داده است تا ویژگی‌های فرهنگی خود را لحاظ کنند و متن بیانیه به صراحت می‌گوید: اجرای این بیانیه باید متناسب با فرهنگ ملی و ارزش‌های ملی هر کشور باشد؛ اما می‌توان گفت: سند توسعه ۲۰۳۰ در مورد هدف و شاخص‌های موردنظر خود، کشورها را مجاز به تولید شاخصه‌ای بومی می‌داند و به تعبیر دیگر تنوعات بومی، باید در ذیل گفتمان توسعه فردگرایانه به وحدت برسد (جمع‌ی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ص ۱۳). این فردگرایی همان مفهومی است که مبنای اسناد بین‌المللی است و طبق آن نظم خانواده سنتی و حقوق و تکالیف متقابل افراد نادیده گرفته می‌شود.

در تصویب و اجرای سند ۲۰۳۰ از آنجاکه این سند یک چارچوب اقدام است و در دسته‌بندی اسناد اعم از معاهدات، اعلامیه‌ها و اسناد توصیه‌ای، برنامه‌های اقدام و چارچوب عمل از نظر اثرگذاری جایگاه ویژه‌ای دارند (خرمشاد، ۱۳۹۶، ص ۱۷). از سوی دیگر، طبق ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است» (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۹). بسیاری از شئون فرهنگی و اجتماعی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و عاملی برای جریان فرهنگ سکولار غربی در زمینه‌های مختلف خواهد بود.

رهبرانقلاب با اشاره بر این مطلب که ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به



نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم، فرمودند: «ممکن است برخی تعجب کنند که چه ارتباطی میان آموزش و پرورش و نظام سلطه بین‌المللی وجود دارد. درحالی‌که واقعیت این است که نظام سلطه برای نسل جوان ملت ما، به‌ویژه ملت ایران برنامه دارد... نظام سلطه می‌خواهد نسل آینده کشورها نسلی باشد که فکر، فرهنگ، نگاه و سلیقه موردنظر او را در مسائل جهانی داشته باشند و در نهایت نخبگان، سیاستمداران و افراد تأثیرگذار، همان گونه فکر و عمل کنند که او تمایل دارد.» (دیدار با معلمان، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵). بنا بر فرمایش امام خمینی رحمه‌الله: «این قدر ضعیف‌النفس نباشید. ما قانون غنی داریم، ما قانون الهی داریم. آنهایی که فرم غربی را به فرم الهی ترجیح می‌دهند، اینها از اسلام اطلاعی ندارند، آنهایی که می‌گویند نمی‌شود اسلام را در این زمان پیاده کرد برای این است که اسلام را نشناخته‌اند، نمی‌فهمند چه می‌گوید» (صحیفه امام (ره)، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۲۷۴). خودباوری و هشیاری جامعه اسلامی، به‌خصوص علما و کارشناسان دینی در این مورد لازم می‌آید.

با مطرح شدن سند آموزش ۲۰۳۰ به عنوان یک مسئله عمومی و تذکرات رهبر معظم انقلاب در ۱۷ اردیبهشت و ۱۷ خرداد سال ۱۳۹۶، این امر به صورت جدی‌تر در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت. چند تن از علما و مراجع نیز در پی آن بیانیه‌هایی را منتشر و مخالفت خود را با تصویب آن اعلام کردند. در نهایت از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور به عنوان اسناد مرجع در حوزه آموزش کشور معرفی شدند و همه آنچه با این اسناد مغایرت داشت باطل اعلام شد. مصوبه شهریورماه ۱۳۹۵ هیئت وزیران در خصوص تشکیل کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ ملغی شد. البته



هرچند عملاً در دولت دهم و یازدهم به صورت مخفیانه مفاد این سند اجرا می شد.

#### ۴. برنامه توسعه پنج ساله ششم کشور

انتظار می رود در جامعه ای که حکومت اسلامی حاکم است، برنامه های توسعه برای حفظ و سلامت کانون خانواده، تجارب تلخ و ناموفق دنیای غرب را مورد توجه قرار دهد. بررسی اسناد برنامه های توسعه در سال های اخیر از جمله سند ششم توسعه، نشان می دهد که متأسفانه سیاست ها و برنامه های در نظر گرفته شده، نه تنها اهتمام کافی به مسئله خانواده را نشان نمی دهد، بلکه موارد پیش بینی شده، بحران خانواده و تضعیف نقش مادران در خانواده را به دنبال خواهد داشت.

قانون پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره در جلسه علنی - روز شنبه مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۵ - مجلس شورای اسلامی، تصویب و در تاریخ ۹۵/۱۲/۲۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاح بند الف ماده ۴، بند ب ماده ۱۲، جزء ۱ بند الف ماده ۶۷، ماده ۳۰ و تأیید ماده ۱۶، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای در این باره فرمودند: «برنامه ششم فوق العاده مهم است؛ در مورد این برنامه، کوتاهی و اغماض و کم گذاشتن هیچ جایز نیست؛ یعنی واقعاً باید برنامه را

کامل و خوب و دقیق تمام بکنید» (دیدار با نمایندگان مجلس دهم، ۹۵/۳/۱۶).

### اشکالات اساسی برنامه توسعه ششم

با تأکید مقام معظم رهبری بر توجه به «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و لزوم اجرایی شدن آن در تمام تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری، کارگروهی بدین منظور شکل گرفت. مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تحت نظر شورای عالی منصوب به مقام معظم رهبری جهت تدوین سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فعالیت می‌کند. گروه پژوهش شورای راهبردی این مرکز با بررسی برنامه ششم توسعه کشور، دریافتند که ۱۰ ماده از ۳۴ ماده تنظیم شده دارای اشکالات اساسی است و اذعان کردند که غفلت از ترمیم این ۱۰ ماده موجب بروز چالش‌های غیرقابل جبرانی برای کشور، در طول برنامه ششم خواهد شد.

ماده ۳۱ برنامه مذکور که مرتبط با بحث «تقویت نهاد خانواده» است، بیان می‌دارد: به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و یکم قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آن و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه نسبت به اعمال رویکرد (عدالت جنسیتی) در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و





ارزیابی آثار تصمیمات خود را در آن چارچوب، براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام نماید (شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

### اشکال ارتقا سطحی اشتغال زنان

اشکال وارده براین سند، استفاده از شعار «عدالت جنسیتی» (شعار جریان‌های فمینیستی) در لایحه رسمی دولت و تنزل جایگاه زن به نیروی کار ارزان قیمت است. در رویکرد دینی درآمدزایی برای تأمین مخارج خانواده، نقشی مردانه است. در تمام روایاتی که وظایف خانوادگی را گوشزد کرده‌اند، مردان به انفاق بر خانواده فرمان یافته یا سفارش شده‌اند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳). اما زنان در این زمینه مورد خطاب واقع نشده‌اند. حتی در روایات آخرالزمان، انفاق زنان بر همسرانشان نکوهش شده است (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۹، ح ۷). در مقابل آن روایتی داریم که طبق آن رسول خدا ﷺ فرمودند: «طلب حلال برزن و مرد مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۳۵). پس این گونه روایات تلویحاً اشتغال زنان را مجاز شمرده‌اند. در مواردی اشتغال برای زنان امری ضروری شمرده می‌شود، مانند زمانی که نیازمند است و کسی مخارج او را تأمین نمی‌کند. روایتی نقل شده که کسی از امام صادق (ع) درباره زنی می‌پرسد که همسرش وی را طلاق داده و او را از نفقه و عده محروم کرده است. امام درباره این زن فرمودند: «خروج وی از منزل برای کار و رفع نیاز مالی هیچ اشکالی ندارد» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۵۰۸، ح ۴۷۸۴). بنابراین، طبق دیدگاه شریعت اسلام، مشارکت زنان در تأمین معاش



خانواده مورد تشویق نیست و فقط به موارد ضروری محدود می‌شود. آنچه مورد تأکید است نقش بی‌بدیل زنان در حیطه خانواده و جامعه است که از عهده مردان خارج است و این دلیلی جز تفاوت در خلقت این دو جنس ندارد. از سوی دیگر، سرپرستی مردان با تأمین مخارج خانواده، رابطه‌ای مستقیم دارد؛ بنابراین حفظ این الگوافزون بر اینکه روابط خانوادگی را حفظ می‌کند، زنان را زیر بار تأمین مخارج خانواده قرار نمی‌دهد (زیبایی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۶۲). نقشه‌ای خاص زنانه که همان مادری و همسری در خانواده است، دو فعالیت خطیر است که بیشترین تأثیر را در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفا می‌کند. حتی اگر بپذیریم بنا بر ضرورت زنان می‌توانند مشاغل خارج از منزل داشته باشند، هنگام تراحم اشتغال با وظایف مادری، حکم به ارجحیت جایگاه مادر می‌کنیم.

از دیدگاه اسلام مشاغل زنانه باید برای زنان در اولویت قرار گیرند. مانند رشته‌های مختلف تعلیم و تربیت، پزشکی و... این مشاغل با توجه به استعداد های خاص بانوان، نیاز فراوان به نیروی انسانی زن دارند. بنا بر آنچه بیان شد اشتغال زنان در این مشاغل هم جامعه را به سوی تعالی می‌برد، هم بانوان را؛ البته نباید غفلت کنیم که اگر زن در مشاغل دیگر فعالیت کرد، این حرکت او خلاف شرع نیست، بلکه در سطح عالی و مطلوب تعریف نمی‌شود.

تحقیقاتی در زمینه «نسبت مشارکت زنان با توسعه اقتصادی» انجام شده و مقالاتی به چاپ رسیده است. در یکی از این مقالات که با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان نوشته شده (عباسی اسفجیر و رضایی روشن، ۱۳۹۶)، نویسندگان آن به این نتیجه می‌رسند که بین سطح توسعه یافتگی جوامع و مقدار فعالیت زنان ارتباطی وجود دارد که ارتقای آن را ضرورت می‌بخشد و با افزایش



برخی از عوامل، نرخ مشارکت زنان نیز افزایش می‌یابد. در نهایت، راهکارهایی ارائه می‌کنند از جمله: تطبیق سیاست‌های طراحی شده برای حذف و پایین آوردن موانع سرراه ورود زنان به نیروی کار، موانعی همچون روشی که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در بخش‌های قانونی و حقوقی بازتاب می‌شوند، چون معتقدند مشارکت نیروی کار زن، مکمل نیروی کار مرد در راستای درآمد خانواده و رشد کشور است. مقالات فراوانی با این دیدگاه چاپ و منتشر شده است.

اما صحیح آن است که مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان به طور دقیق در دو الگو تحقق می‌پذیرد که یکی الگوی توسعه‌گرا و دیگری الگوی دینی بر مبنای اولویت در نقش است. خانم عباسوند در کتاب زن در اسلام، به درستی این دو الگورا بررسی و آسیب‌هایی را برای الگوی نخست ذکر می‌کنند از جمله:

- اصالت یافتن ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی
- تضعیف نقشه‌ای خانگی و تغییر نظام ارزشی درباره خانه و اجتماع
- سوءاستفاده قدرت‌های پنهان از زنان کنشگر در جهت مقاصد سیاسی و اجتماعی

همچنین ایشان مبنای تفکر مدافعان مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان را الگوی توسعه‌گرا، مشکلات و موانع حضور سیاسی - اجتماعی زنان در مسائلی مانند نظام پدرسالاری، کلیشه‌های سنتی مربوط به رفتار زن و مرد و مسائلی از این دست می‌دانند (عباسوند، ۱۳۹۶، صص ۳۸۲-۳۸۳). الگوی دینی بر مبنای اولویت نقش‌ها، مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان بر پایه

ضرورت‌ها و اولویت‌ها شکل می‌گیرد. در ادامه پیامدهای اشتغال زنان بر خودزنان، خانواده و اجتماع را مورد بررسی قرار دادند (ر.ک، elasوند، ۱۳۹۶، صص ۳۹۶-۴۰۰).

#### ۵. همسویی برنامه‌های توسعه با دیدگاه‌های فمینیستی

۲۰۹



نقش برنامه‌های توسعه محور فمینیستی...

از آنجا که توسعه اقتصادی یک اصل جهانی بوده و کشورهای در حال توسعه به شدت به آن گرایش دارند، نیازمند تغییراتی در جامعه است. از جمله این تغییرات، تغییر در روند زندگی فردی و اجتماعی زنان و مردان است و برنامه‌های توسعه محور، تأثیر به سزایی در این زمینه دارند. همسویی برنامه‌های توسعه محور با دیدگاه‌های فمینیستی، تعارض جدی آنها را با رویکرد دینی آشکارتر کرده و مشکلاتی را پیش روی مسائل زنان قرار می‌دهد.

گاهی از فمینیسم به عنوان جریانی در جهت تأمین منافع سرمایه‌داری یاد می‌شود. انقلاب صنعتی و نظام سرمایه‌داری، تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف زندگی غرب به دنبال داشته‌اند که یکی از آنها ورود زنان به بازار اشتغال است (رودگر، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۳۶). تضعیف نقش مادری و خانه‌داری از سوی فمینیست، زنان را به سوی اشتغال که از دیدگاه آنان دارای منزلت بیشتری است وامی‌دارد؛ اما در حقیقت چیزی که حاصل این رویکرد است، بهره‌وری هرچه بیشتر از توان زنان در خدمت به نظام سرمایه‌داری است.

#### فمینیسم و خانواده ستیزی

اگر در خاستگاه و علل ظهور فمینیست دقت شود، می‌توان فهمید آنها به ظاهر



در پی احقاق حقوق زنان هستند؛ اما پیامدهای این جنبش تغییر و تحولاتی بوده که نه تنها به زنان کمکی نکرده، بلکه آثار منفی متعددی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان برجای گذاشته است.

فمینیست‌های لیبرال که در مهد تفکرات لیبرالیستی در کشور آمریکا شکل گرفته‌اند، بر آرمان‌های «برابری» پای می‌فشارند و برابری و عدالت را مترادف هم می‌دانند (رودگر، ۱۳۹۴، ص ۲۰۶). اینان اصل را برای آزادی و رضایت فرد محور قرار داده‌اند و مخالف نقشه‌ای کلیشه‌ای مادری و همسری در خانواده هستند و خانه‌داری را هم ردیف شغل‌های دیگر ندانسته‌اند و مانعی برای تمایلات شخصی زنان می‌دانند (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴). آنچه مسلم است فمینیسم در دنیای کنونی کارکردهای اصلی خانواده را مورد تهاجم قرار داده است و متأسفانه امروز تفکر خانواده ستیزی و خانواده گریزی وارد جوامع، به ویژه ممالک اسلامی می‌شود.

موضع سازمان ملل پس از تصویب اعلامیه حقوق بشرو سایر اسناد بین‌المللی این امر را الغاء می‌کند که تمام کشورهای عضو باید تمایزات فرهنگی خود را بر اساس اصول لیبرالیستی به وحدت برسانند و تفکر لیبرالیستی مبنای روابط انسانی و ارزش‌ها است. کشورهای عضو اسناد بین‌المللی، موظف به اجرای مفاد آنها هستند و به تبع آن دیدگاه‌های فمینیستی به مرزهای اخلاقی و اعتقادی جامعه ورود خواهد کرد. در پی آن اولین چیزی که مورد تهاجم قرار می‌گیرد نهاد خانواده، اهمیت و قداست آن است؛ زیرا اولین تقابل این است که فمینیست با ترویج روابط آزاد، همزیستی مشترک، همجنس‌گرایی و موافقت با پدیده پرونه گرافی و به تعبیر



خودشان "انقلاب جنسی" اثرات مخربی را در کارکرد خانواده ایجاد نموده و موجبات آزادی روابط و همسانی نقشه‌ای زن و مرد، اخلال در روند طبیعی روابط خانوادگی و... را فراهم آورده است.

تعارض آموزه‌های فمینیستی و زندگی مدرن با سنت‌های گذشته و معیارهای زندگی دینی، باعث شده زنان از یک سومادری و همسری را طبیعتاً و شرعاً وظیفه خطیری می‌دانند. از سوی دیگر، شکوفایی فردی خود را در اشتغال یا انواع دیگری از حضور اجتماعی می‌بینند که مانع تحقق مادری و همسری به صورت ایده‌آل است و به عبارتی دیگر با نوعی بحران هویت مواجه شده‌اند (رودگر، ۱۳۹۴، صص ۲۴۴-۲۳۹).

#### ۶. راهکارهای مقابله با فمینیسم

اصل قراردادن مبارزه با مردسالاری و تأکید بر استقلال زنان در عمل به گسترش تضاد میان دو جنس انجامید و زنان را از توجه به عوامل اصلی عقب‌ماندگی خود که حاکمیت اخلاق مادی و روح سرمایه‌داری بوده بازداشت (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹). خواست واقعی این است که بر زنان ظلم نشده و حقوق آنها ادا شود، اما نه لزوماً در قالب آنچه فمینیست‌ها گفته‌اند. اصلاح نگرش‌ها نسبت به جایگاه خانوادگی و اجتماعی زن، زدودن باورهای عامیانه و تحقیرآمیز از ساحت زنان و الگوسازی مناسب، جامعه زنان را از گرایش به الگوهای غربی بازمی‌دارد.

#### آگاهی بخشی نسبت به جایگاه ارزشی زن در اسلام



مسلمانان باید در چارچوب اسلام از حقوق زنان دفاع کنند. زن مسلمان ابتدا باید خودش نسبت به ارزش وجودی خودآگاه شود تا به جایی برسد که بتواند از خودش دفاع کند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود.» (دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۶/۱۰/۶۹). زنان مسلمان ایرانی تجربه انقلاب اسلامی را به همراه دارند. ساختار ارزشی زنان به عنوان یک قشر تأثیرگذار در جامعه ایران دارای اهمیت فراوانی است؛ چراکه آنها هم در حوزه فرهنگ و هم در حوزه سرمایه انسانی و تربیت نسل‌ها نقش اساسی دارند. امام خمینی (ره) فرمودند: «زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد» (صحیفه امام، ۱۳۸۱ ش، ج ۶، ص ۳۰۰).

با وجود تعاریفی که اسلام و رهبران اصلی نظام از زن و جایگاه ویژه او در خانواده ارائه می‌دهند، اما تأثیر فرهنگ غرب به تدریج باعث شده از اهمیت نقشه‌ای اصلی زنان کاسته شده و داشتن مشاغل خارج از منزل ارزش محسوب شود؛ به گونه‌ای که کمتر زنی به خانه‌دار بودن خود افتخار می‌کند. بنابراین، لازم است زن مسلمان با خودباوری به راه سومی بیندیشد که نه برآمده

از سنت‌های جاهلی گذشته و نه محصول تقلید از غرب باشد.

### شناخت اهداف برنامه‌های توسعه

وجود برخی از مشکلات در جامعه زنان کشور ما به خاطر احکام اسلام نمی‌باشد؛ بلکه ناشی از کج‌اندیشی و کج‌روی برخی از متولیان امر، در حوزه نظرو عمل است. در شرایطی که رهبر معظم انقلاب بارها مخالفت خود را با پروژه جهانی سازی اعلام کرده‌اند و بر ضرورت ایستادگی در مقابل آن، بیانات فراوانی داشته‌اند، در بخش‌هایی از دستگاه برنامه‌ریزی کشور بر الحاق ایران بر انواع معاهده‌های بین‌المللی از جمله (کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ سند آموزشی ۲۰۳۰؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ FATF؛ سند پاریس). در راستای هماهنگی با جهانی سازی پافشاری می‌شود. حتی برنامه‌ریزی کلان کشوری از این رویکرد مستثنی نمانده است.

بی‌اهمیت شدن خانواده جریانی از پایین به بالا و از مردم به سمت حاکمیت نبوده است. در واقع در طول دهه‌های مختلف برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده است. به طور عمده خانواده از دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی دچار تغییراتی شد (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۹). در پی تحولاتی که همسویا اهداف نظام سرمایه‌داری ایجاد گردید، مسائل زنان و خانواده از جمله مسائلی بود که دچار چالش جدی شد و خود غربی‌ها درحالی که در پیگیری مطالبات زنان و ارائه الگویی جامع ناکام مانده‌اند، تجربیات به نسبت رسیده خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کنند. آنان برای ترویج فرهنگ سکولار و لیبرال محور، به ویژه در جوامع اسلامی از طریق تدوین انواع معاهده‌ها و کنوانسیون‌ها و دیکته کردن آن به کشورها، تلاش‌های گسترده و





مستمری داشته‌اند. مؤید این مطلب کلام خداوند در قرآن کریم است که می‌فرمایند: «یهود و نصارا هیچ‌گاه از توراتی نمی‌شوند مگر اینکه پیروی آیین آنها کنی» (بقره: ۱۲۰). اینکه می‌فرماید: «تَتَّبِعْ مِلَّتَهُمْ» به این معنا است که آنها پذیرفتن اعتقادشان را از دیگر ملت‌ها نمی‌خواهند؛ بلکه خواستار تبعیت تام هستند تا در پی نهادینه کردن ارزش‌های غربی، فرهنگ غنی اسلامی را منزوی کنند.

### استقلال فرهنگ اسلامی

آنچه مسلم است ایدئولوژی سرمایه‌داری غربی، یکی از رقیب‌های اصلی فرهنگ اسلامی در عصر حاضر به شمار می‌رود. مسائل زنان یکی از نقاط اختلاف اسلام با فرهنگ غربی محسوب می‌شود. با شناخت دقیق مواضع اسلام و نگرش جامع قرآن کریم به امور زنان به راهکارهای درستی در زمینه حل معضلات می‌توان دست یافت. از سوی دیگر، باتوجه به آیاتی از قرآن کریم که موضع مسلمانان را نسبت به کفار و مشرکین مشخص می‌نماید، تعیین عملکرد دولت‌های اسلامی در مواجهه با دولت‌های غربی کار دشواری نیست.

خداوند در آیه ۲۵۷ سوره بقره جایگاه مؤمنان و کفار را از هم تمایز بخشیده با این بیان که خداوند یاور مسلمانان است و کفار اهل آتش‌اند و در جایی دیگر می‌فرماید: «هرگز مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند چنین نخواهی



یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول او کنند» (مجادله: ۲۲). قرآن کریم در آیه‌ای به استقلال فرهنگی مسلمانان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «واین است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما شاید پرهیزکار شوید» (انعام: ۱۵۳). بی‌تردید در عصر حاضر خانواده در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد؛ بنابراین به برنامه‌های خاص و سیاست‌های حمایتی ویژه از سوی نهادهای مربوط نیازمند است. تمایل به فرهنگ غرب و نهادینه کردن آن در مفاهیم و مفاد قوانین داخلی، موجب کم‌رنگ شدن و در نهایت زوال فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی خواهد شد. دین اسلام برای رفع مشکلات و بهبود وضعیت قشر آسیب‌پذیر برنامه‌ها و توصیه‌هایی دارد. آنچه به مثابه حقوق زنان مورد نظر غربیان است، پیش از این در اسلام پیش‌بینی شده بود.

### لزوم توجه ویژه علما و روحانیون به مسائل زنان

نیازمندی زنان به توجه فراوان نسبت به مطالبات آنان مسئولیتی خطیر بر عهده دولت و نهادهای وابسته می‌گذارد. از جمله: رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از اجزای نظام فرهنگی و آموزشی کشور، نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور و نظام اقتصادی. بحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری نیز مواردی هستند که نیازمند نظارت و کنترل بیشتر است تا با اصول اساسی منطبق با احکام اسلامی همسوی باشند.

علما و روحانیون به عنوان رهبران و نمایندگان قشر مذهبی جامعه و حوزه‌های علمیه، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نهادها بر توده‌های مردم باید مسائل زنان را در



اولویت مباحث آموزشی و تبلیغی خود قرار دهند. پس از انقلاب اسلامی باتوجه به تشکیلات و ساختارمند شدن حوزه‌های علمیه، شبکه سنتی روحانیت تا حدی ضعیف شده است؛ اما این امر مانع تعامل حوزه‌های علمیه با دولت نمی‌باشد. آیت‌الله جوادی آملی در تبیین نقش مرجعیت و حوزه‌های علمیه در مسائل سیاسی و اجتماعی بیان داشتند:

... اما یک نجاستی هست که حتی خون شهید هم نمی‌تواند آن را پاک کند و آن سکولار فکرکردن و الحادی اندیشیدن و مشرکانه فکرکردن است، این آلودگی‌ها را تنها مرجعیت حوزه است که می‌تواند پاک کند... این مداد و مرکب قلم علما است که کارکردش هم شهیدپرور است و هم پاک‌کننده الحاد و شرک؛ لذا طبق این مبانی حرف اول مملکت را مرجعیت و حوزه‌های علمیه می‌زنند، چون قلم به دست اینها است و از سوی دیگر نشان می‌دهند که ما باید به چه سمتی حرکت کنیم (جوادی آملی، در نشست دوره‌ای اساتید سطوح عالی حوزه، ۹۷/۹/۸).

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال‌پذیری از بین رفت، حق به خودی خود و بدون تلاش، در دنیا علم خواهد شد - ابداً - باطل دیگری سرچایش می‌آید. مگر وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست عرضه کند.» اگر حقوق زن و خانواده در پی پیش روی فرهنگ سکولار و لیبرال غرب پایمال شده است، وظیفه حاکمیت و اندیشمندان اسلامی در زمینه اعتلا و احقاق حقوق آنان دوچندان خواهد شد. مطالبه احساس نیازی است که به خواسته تبدیل شده و مطالبات قشر مذهبی جامعه از رهبران دینی خود، ناشی از دغدغه‌ای اجتماعی است که

بیانگر لزوم توجه و ورود جدی مراجع و علما به مسائل سیاسی و اجتماعی است.

### نتیجه‌گیری

کنوانسیون «رفع تبعیض علیه زنان»، به منظور محکوم کردن تبعیض که ریشه نابرابری جنسیتی است، خواستار تساوی حقوق زن و مرد می‌باشد که بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی ایشان است. با این حال الحاق به این معاهده در دولت و مجلس ششم به تصویب رسید و در برخی از نهادها لازم‌الاجراء اعلام شد. (سند پکن) که با هدف بررسی مشکلات زنان تدوین شده است، به علت وابستگی به نگرش‌های فمینیستی منشأ تمام مشکلات زنان را امور واحدی دانسته‌اند. در این سند بدون توجه به ویژگی‌های بومی و ساختار اجتماعی، راه‌حل‌های یکسانی در نظر می‌گیرند. با توجه به محتوای سند می‌توان گفت طبق اصول حاکم بر جوامع اسلامی، هم در فهرست مسائل و هم در راه‌حل‌های برون‌رفت از مشکلات نمی‌توان با این سند همراه شد. (سند آموزشی ۲۰۳۰) که با اهداف توسعه پایدار جوامع، به تصویب رسید در تعارض جدی با هویت اسلامی - ایرانی است و بردگرگون ساختن زندگی افراد به وسیله آموزش تأکید می‌کند. این سند باتکیه بر دیدگاه اومانیستی و برابری جنسیتی، نهاد خانواده را تضعیف می‌کند. معاهده‌هایی که از سوی سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی تدوین می‌گردد، منافع نظام سرمایه‌داری را تأمین می‌کند. هدف، الغاء و نهادینه کردن فرهنگ غربی و اضمحلال کشورهای دیگر است. چنانکه برخی از اسناد بین‌المللی مانند «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» و «سند پکن»، بر اصل توانمندی زنان و رفع انواع وابستگی و هرگونه حمایت از زنان استوار است، اما با





نگاه جنسیتی، در مسیر اصلاحات و ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی نخواهد بود، زیرا با تأکید بر اشتغال زنان، فقط به جهت استقلال مالی و شخصیتی در جهت تأمین اهداف نظام سرمایه‌داری است. خانواده از دیدگاه اسلام دارای ارزش و اهمیت ویژه و کارکردهای منحصر به فردی است که غالباً واگذاری آن به نهادهای دیگر ممکن نیست و خانواده‌های تک‌سرپرست نیز از عهده آن برنمی‌آیند. اهمیت بسیار زیاد خانواده به این معنا نیست که افراد از حقوق شرعی و قانونی خود برای حفظ خانواده چشم‌پوشی کنند، بلکه با در نظر گرفتن توانمندی و تفاوت‌های افراد خانواده برای نیل به اهداف این نهاد ارزشمند گام بردارند، اما در مسیر اصلاح ناهنجاری‌های موجود در حوزه خانواده و حمایت از اعضا ضعیف‌تر اصل خانواده مورد هجوم قرار نگیرد.

دولت اسلامی به عنوان مجری فرامین حکومت اسلامی با برنامه‌های سیاسی - اجتماعی مدرن، سعی در مدیریت جامعه اسلامی دارد و در راستای جهانی‌سازی با پذیرش عضویت در برخی اسناد بین‌المللی همچنین در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان اهمیت خانواده را به عنوان نهادی مستقل و تأثیرگذار در نظر نمی‌گیرد. این گونه سیاست‌گذاری‌ها خانواده را به سمت فروپاشی سوق خواهد داد. در حالی که خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه نیازمند استقلال در کارکرد است و مطالبه مردم، برنامه‌ریزی برای زیرساخت‌های تسهیل‌کننده از سوی دولت و حمایت نهادهای دیگر مانند رسانه‌ها، آموزش و پرورش و ورود جدی نهادهای مذهبی به خصوص مراجع و اندیشمندان اسلامی است تا با کمترین آسیب به سوی شکوفایی ظرفیت‌های ویژه خود حرکت کند. همچنان که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از رهبر

معظم انقلاب بر دوری از تکیه بر غرب و برنامه‌های آن تأکید دارد و راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را نگاه درونی و تدوین برنامه‌هایی جامع جهت رسیدن به سبک نوین زندگی اسلامی بنا بر مسائل روز می‌داند.





## منابع

- قرآن، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ سیزدهم، تهران، بیستون، ۱۳۸۲
۱. آخوندان، الهام، ۱۳۹۵ش، حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌المللی، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال اول، شماره ۳.
  ۲. ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، محمد بن علی بن حسین، من لایحضر الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، بی‌جا، ج ۳، چاپ دوم، جامعه المدرسین فی المدرسه العلمیه،
  ۳. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۱ش، صحیفه امام، تهران، ج ۶، چاپ پنجم، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)،
  ۴. جدیدی، حمیدرضا، ۱۳۹۵ش، فهرست موضوعی و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرج، چکامه باران.
  ۵. رودگر، نرگس، ۱۳۹۴ش، فمینیسم (تاریخچه نظرات، گرایش‌ها، نقد)، قم، چاپ دوم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
  ۶. زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۴ش، هویت و نقشه‌ای جنسیتی (مجموعه مقالات)، تهران، چاپ دوم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
  ۷. -----، سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۴ش، درآمدی بر نظام شخصیتی زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)، قم، هاجر.
  ۸. عباسی، علی اصغر، رضایی روشن، هدی، ۱۳۹۶ش، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب (فصلنامه علمی پژوهشی زن در جامعه)، سال هشتم، شماره سوم.
  ۹. علاسوند، فریبا، ۱۳۹۶ش، زن در اسلام، قم، نشر هاجر، چاپ پنجم.
  ۱۰. علاسوند، فریبا، ۱۳۸۳-۱۳۸۴ش، آیا سند پکن برای زنان نقطه عطف



است، حوراء.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۹ش، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ش، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، چاپ سی و پنجم، صدرا.

۱۳. منصور، جهانگیر، ۱۳۹۶ش، قانون مدنی، تهران، چاپ صد و پانزده، دیدار.

۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بی جا، چاپ سوم، الوفا.

۱۵. هاجری، عبدالرسول، کاوه مریان، میترا، آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۸۲ش، حقوق جهانی زنان (کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان)، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

۱۶. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶ش، درباره سند آموزشی ۲۰۳۰، حوراء، شماره ۵۳-۵۴.

۱۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵ش، مسئله بین‌الملل زنان عرصه تقابل دو نگاه، حوراء، شماره ۵۰.

۱۸. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۹۶ش، پروژه جهانی سازی با تمرکز بر اسناد بین‌المللی، حوراء، شماره ۵۲-۵۴.

۱۹. علاسوند، فریبا، ۱۳۹۵ش، خانواده و ائتلاف جهانی، حوراء، شماره ۵۰.

۲۰. کنوانسیون رفع کلیه اسناد تبعیض علیه زنان.

۲۱. کشوری، علی، دانشگاه معارف قم، ۱۳۹۶ش، نقد سند آموزشی ۲۰۳۰ با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی (پیشخوان نخست)، جزوه شماره ۱.

۲۲. شورای راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵ش، تعارض مروری اجمالی و مهم‌ترین تعارضات برنامه ششم کشور.

۲۳. جوادی، آملی، عبدالله ۸/۹/۱۳۹۷، ۲۱:۱۳، javadi.esra.ir.